

تجاوز به محارم: زمینه‌ها، استراتژی‌های متجاوز و واکنش‌های بزه‌دیده

محسن مالجو*

طرح مسأله: این تصور در اذهان شکل گرفته که خطر آسیب‌دیدگی و تجاوز برای افراد بیشتر هنگامی است که خارج از دایره محارم و افراد خانواده قرار دارند، اما واقعیت برخلاف آن است. بنابراین پژوهش حاضر به منظور شناخت بیشتر از تجاوز جنسی به محارم صورت گرفته است و در آن زمینه‌های تجاوز جنسی، استراتژی‌های متجاوز و واکنش‌های بزه‌دیده مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

روش پژوهش: روش این پژوهش به دلیل تازگی و حساسیت آن، کیفی و از نوع اتنوگرافیک بوده است. داده‌های آن با استفاده از مصاحبه عمیق، رجوع به اسناد و مدارک، مشاهده، و پرسشنامه جمع‌آوری شده و نمونه‌ای از ۳۹ مورد از زنان و دخترانی که در خانواده تحت تجاوز جنسی پدر یا برادر قرار گرفته‌اند به روش دردسترس و هدفمند مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: هم‌چنین با توجه به جواب‌های به‌دست آمده استراتژی‌های آزار جنسی را در چهار گروه طبقه‌بندی کردیم: ۱) استراتژی‌های اجبار و خشونت جسمانی (۲) استراتژی‌های تحریکات عاطفی و ارباب احساسی (۳) استراتژی‌های اقتصادی (۴) استراتژی‌های فریب‌کارانه. هم‌چنین بنابر پاسخ‌های مربوطه چهار واکنش را در زنان شناسایی کردیم که به ترتیب، سکوت، مقاومت، اعتراض، و خروج هستند و مشخص شد هرچقدر زنان آزرده‌یافته برخوردار از شبکه‌های فردی و حمایت‌های اجتماعی باشند، امکان واکنش اعتراض و رفتار فعالانه بیشتر خواهد بود و هرچه این حمایت‌ها کمتر باشد واکنش‌های منفعلانه، بیشتر است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تجاوز جنسی به محارم بیشتر از آنکه مسأله‌ای روانی باشد مسأله‌ای اجتماعی است و مردسالاری و شکل روابط قدرت در خانواده و همچنین حاکمیت انگاره‌های مالکانه در روابط والدین و فرزندان از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری آن است.

کلید واژه‌ها: تجاوز جنسی، زنان، زنا با محارم، مردسالاری

تاریخ دریافت: ۸۸/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۸۹/۲/۵

طرح مسأله

فاجعه‌ای پنهان در خانه‌ها رخ می‌دهد، آنجا که زنان از سوی نزدیک‌ترین همخون‌های خود مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، تجاوزهایی که در سکوت‌های مصلحت‌اندیشانه، گم می‌شوند. پنهان‌کاری‌هایی که نه تنها به کاهش این پدیده نمی‌انجامد چه بسا باعث تداوم آن می‌شود. بنابراین در بسیاری اوقات، خانه و خانواده که باید به عنوان بهشتی امن باشند کانونی برای آزار، ترس و اجحاف زنان می‌شوند. «تحقیقات نشان می‌دهند خطر حمله جدی از سوی اعضای خانواده، دو برابر بیگانگان است» (Henting 1978: 25). اما این تصور در اذهان شکل گرفته است که خطر آسیب‌دیدگی برای افراد، بیشتر هنگامی است که خارج از دایره محارم و افراد خانواده قرار دارند. در ایران با توجه به دیر پا بودن سنت‌های دینی و اعتقادات مذهبی، تصور می‌شود که این مسأله درصد ناچیزی را به خود اختصاص داده است و چنین اتفاقاتی بسیار نادر و غیر معمول‌اند، اما واقعیت عکس آنرا نشان می‌دهد و حکایت از کثرت این نوع اتفاقات دارد، این قبیل حوادث در مخفی‌ترین زوایای ضمیر زنان پنهان می‌ماند چرا که آنان به دلایل گوناگونی که در پژوهش به آنها پرداخته شده است آنچه را که برایشان اتفاق افتاده است بازگو نمی‌کنند. پدرانی که از جسم دخترانشان برای امیال جنسی خود استفاده می‌کنند در سطوح مختلف جامعه پراکنده‌اند و هرگز نمی‌توان آنان را در طبقات خاصی محدود دانست. در دنیا این آسیب روندی صعودی دارد، مشاهدات محقق، ناظر بر این است که ایران هم از این جریان مستثنی نیست و این امر می‌تواند بسیار نگران‌کننده و نیازمند بررسی و کاوشی درخور باشد.

در ایران به دلایلی از جمله تابو بودن و ترس از انگ اجتماعی و از همه مهم‌تر بی‌توجهی و عدم آموزش دربارهٔ چگونگی ثبت در سازمان‌های مربوط، آمار دقیق و قابل اعتمادی از تجاوز جنسی از سوی محارم وجود ندارد، ولی فقدان آمار به معنای نبودن چنین معضلی نیست. اگرچه هیچ آماری در ارتباط با افزایش تجاوز به محارم در کشور منتشر نشده اما بعضی تحقیقات، هرچند انگشت‌شمار، در درون خود اشاره‌ای به این

مسئله کرده‌اند. مثلاً آمار تجاوز جنسی به محارم در تحقیقات مربوط به روسپیگری چیزی بین ۲۲ تا ۲۵ درصد عنوان شده و در تحقیقات مربوط به دختران فراری این مسئله بین ۱۲ تا ۳۶ درصد در تغییر است. بی‌تردید آزار جنسی زنان از سوی محارم، به عنوان یکی از انواع انحرافات اجتماعی که عواقب بسیار بد روانی هم برای متجاوز^۱ و هم فرد آزاردیده دارد از عوامل مهم اختلال امنیت فرهنگی، اجتماعی، نظم و انتظام جوامع محسوب می‌شود و می‌تواند کيان و بقاء خانواده و قداست آن را خدشه‌دار نماید و این مساله کاملاً مغایر نظر رایج کسانی است که وقوع چنین حوادثی را اساساً انکار می‌کنند و یا آن را نادر می‌شمارند تا آنجایی که نیاز به تحقیق در این باره را ضروری نمی‌دانند. پدیده تجاوز جنسی محارم که حاصل تعامل شبکه علیتی پیچیده‌ای از عوامل مؤثر اجتماعی، اقتصادی و روانی در سطح فرد، خانواده و جامعه است باید به عنوان زنگ خطری باشد که نشان دهنده وجود مدیریت نامناسب در سطوح بالای جامعه می‌باشد.

تعریف مفاهیم

به نظر محقق، شاید مهم‌ترین مفهومی که نیاز به توضیح دارد، تفاوت‌گذاری میان دو مفهوم زنا با محارم و تجاوز به محارم است که تا به حال به آن توجهی نشده است. گرچه زنا با محارم و تجاوز به محارم هر دو نوعی انحراف و آسیب اجتماعی هستند، ولی به اشتباه هرگونه رابطه جنسی با محارم با عنوان زنا با محارم شناخته می‌شود، اینطور که فرضاً اگر پدر و دختری یا برادر و خواهری با رضایت کامل درگیر رابطه جنسی شوند یا اینکه به زور و اجبار یکی از طرفین رابطه جنسی برقرار شود هر دو زنا با محارم نامیده می‌شود که این تعبیر کاملاً غلط به نظر می‌رسد. متأسفانه چه در فقه چه در قانون نیز هیچ تفاوتی از نظر کیفری بین زنا با محارم و تجاوز به محارم وجود ندارد. شاید با یک مثال بتوان اهمیت این تفاوت را بهتر درک کرد؛ لایلا مافی دختری بود که به اتهام زنا با محارم و رابطه جنسی با برادرانش به اعدام محکوم شده بود، در صورتی که

1- aggressor

او در گفته‌هایش به‌طور مکرر از واژه تجاوز برای شرح ارتباط با برادرانش استفاده می‌کرده است. دختر بزه‌دیده‌ای که درخواست کمک از دیگران برای فرار از تجاوز افراد خانواده‌اش داشت به دلیل عدم حساسیت و تفاوت بین تجاوز و زنا به عنوان فردی بزه‌کار با او برخورد شد و به اعدام محکوم شد. بنابراین اگر بین این دو واژه، تفاوتی نگذاریم در قضاوت مردم و نوع حکم نیز نمی‌توان تفاوت قائل شد و جایگاه بزه‌دیده و بزه‌کار به سادگی می‌تواند تغییر یابد. مرز تفاوت زنا با محارم و تجاوز به محارم مسئله رضایت، است و رضایت هنگامی وجود دارد که دو نفر با اراده و توافق برابر با تماس جنسی موافق هستند. بنابراین زنا با محارم، برقراری رابطه جنسی همراه با رضایت با کسانی است که از نظر قیود اخلاقی، مذهبی و قوانین اجتماعی حرام شناخته شده باشند، مانند رابطه جنسی بین برادر و خواهر یا پدر و دختر. ولی تجاوز به محارم، برقراری رابطه جنسی بدون رضایت با محارم است. در واقع در تجاوز به محارم، حق خودمختاری قربانی از او سلب می‌شود و این، اعمال خشونت‌ناهی است که در ارتباط آشکار با مردانگی، قدرت، سلطه و نیرومندی قرار دارد. در واقع زنا با محارم، بیانگر نوعی فساد و تجاوز به محارم است و جرم محسوب می‌شود.

سوابق پژوهشی

مدت‌ها تلاش محقق برای پیدا کردن پژوهش بر روی این موضوع بی‌ثمر بوده است. بنابراین به‌نظر می‌رسد تابو بودن و حتی ناباوری نسبت به وجود چنین آسیبی در خانواده، باعث شده است تا امروز پژوهشی در کشورمان بر روی این مسئله، انجام نشده باشد. اگر هم به ادبیات موضوع محرم‌آمیزی در غرب نگاهی اندازیم، متوجه می‌شویم که بیشترین توجه به این موضوع در مسئله زنا با محارم و ازدواج بین خویشاوندان است که بیشترین سهمش در حوزه انسان‌شناسی است. سهم بعدی در این ادبیات برای روان‌شناسان و روان‌پزشکان است که باز هم به موضوع زنا با محارم پرداخته‌اند. سهم بعدی متعلق به کسانی است که این موضوع را به عنوان یک آسیب اجتماعی مطالعه کردند ولی در کمتر نوشته‌ای از حد توصیف فراتر رفته‌اند. بعضی از این تحقیقات گزارش‌های آماری هستند

نسبت به رویداد محرم‌آمیزی و تقسیم عددی در انواع آن، مثلاً «میش» در یک تحقیق از نمونه‌های یک دادگاه در فدرال آلمان گزارش داد که ۹۰ درصد از موارد، بین پدر و دختر یا ناپدری و دختر و بین پدربزرگ و نوه دیده شده است و ۶ درصد هم بین پدر و پسر بوده است و بقیه آن هم بین مادر و پسر اتفاق افتاده است (Mish, 1973:69). وینبرگ هم در یک پژوهش از ۲۰۰ پرونده در ناحیه شیکاگو دید که موارد محرم‌آمیزی بین پدر-دختر ۷۸ درصد نمونه، بین برادر و خواهر ۱۸ درصد، بین مادر و پسر ۱ درصد بوده است (Weinberg, 1955:389). اما در بررسی‌های گب هارد، محرم‌آمیزی بین برادر و خواهر بسیار متداول‌تر بود و نسبت آن به موارد زنای پدر و دختر تقریباً ۵ به ۱ است (Gebhard, 1965:132). فینکلهور هم می‌گوید متداول‌ترین نوع رابطه جنسی محارم، بین خواهران و برادران رخ می‌دهد. عموزاده‌ها و دایی‌زاده‌ها نیز گرچه از محارم نیستند لیکن از لحاظ تعداد ارتباط جنسی اقوام با هم، در درجه دوم اهمیت قرار دارند. هم‌چنین می‌گوید که شایع‌ترین نوع ارتباط بین این افراد، دستمالی آلت جنسی است (Finkelhor, 1979:60). بنابراین به نظر می‌رسد که محرم‌آمیزی بین برادر و خواهر در واقع متداول‌ترین نوع زناست، اما این نوع زنا، در مقایسه با زنای بین پدر و دختر، احتمالاً کمتر گزارش شده است، به‌رحال اکثر پژوهش‌ها، روی موارد گزارش شده، یعنی رابطه جنسی بین پدر و دختر صورت گرفته است.

همان‌طور که گفته شد رابطه جنسی پدر و دختر گرچه شایع‌ترین نوع نیست ولی بیشترین توجه پژوهشگران، متخصصان و مراجع قانونی را به خود جلب کرده است. سه نوع اصلی، از این رابطه شناخته شده است. در یک نوع که با پدوفیلی همراه است پدر از نظر جنسی نارسا و رشد نیافته بوده با کودکان خود و دیگران ارتباط جنسی برقرار می‌کند. نوع دوم پدری است که شخصیت ضد اجتماعی دارد و با تمام افراد، خواه نزدیک یا دور، خواه بزرگ‌سال یا کودک رابطه جنسی برقرار می‌کند و بالاخره در خانواده‌های از هم گسسته، دختران برای پدر جانشین مادر می‌شوند (Herman, 1981:762). پدر، اغلب احساس وابستگی می‌کند و نیاز به مراقبت دارد، که در رابطه با دخترش این نیازها را

دریافت می‌کند (Brady, 1979:299). نوع ارتباط جنسی در رابطه پدر و دختر بر حسب سن دختر، متغیر است و متداول‌ترین نوع، رفتار جنسی قبل از ۱۲ سالگی، تحریک دستگاه جنسی و نزدیکی بعد از بلوغ است (Gebhard, 1965:861).

روش تحقیق

روش اجرا

این پژوهش با روش کیفی^۱ انجام شده است. استفاده از روش کیفی به این دلیل بوده است که اصولاً در پژوهش‌هایی از این دست که به سبب مشکلات اجرایی یا مسائل اخلاقی و همچنین جدید بودن موضوع، نمی‌توان تحقیق را به شیوه تجربی به اجراء درآورد می‌توان از تحقیق کیفی استفاده کرد. یافته‌های این پژوهش بر مبنای روش‌های اتنوگرافیک گردآوری و ارائه شده‌اند. اتنوگرافیک یک فن متداول در مردم‌شناسی است، اما در مطالعات جامعه‌شناسی نیز فراوان به کار رفته است. مطالعات اتنوگرافیک به عنوان یکی از منعطف‌ترین روش‌های تحقیق، مطالعاتی هستند که در آن پژوهشگر به ثبت، توصیف و تفسیر تجربه‌های زیست شده افراد انسانی می‌پردازد، تجربه‌هایی که در درون «کلیتی منسجم و هماهنگ» معنادار و قابل بررسی می‌باشند (سیلورمن، ۱۳۷۹:۱۴۹).

برای جمع‌آوری داده‌ها در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ از روش‌های گوناگونی استفاده شد: مصاحبه، رجوع به اسناد و مدارک، مشاهده، و پرسشنامه. با چهار گروه از افراد مصاحبه شد: اول، دخترانی که تحت آزار جنسی پدران یا برادرشان قرار گرفته بودند؛ دوم، افراد مطلع اعم از مادران آزاردیدگان یا خود آزارگران یا خویشان آزاردیده مثل عمه و خاله و مادر بزرگ یا مدیران دفتر شعبات دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به شکایات یا مددکاران و روان‌شناسانی که در جریان آزاردیدگی قرار داشتند؛ سوم، در برخی مواقع موفق شدم با پدر یا برادر متجاوز هم گفتگو شد؛ و چهارم؛ مسئولان رده‌بالای برخی نهادهای درگیر با موضوع از جمله دادستان یکی از دادرهای تهران و چند نفر از مسئولان سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت و درمان و چند تن از قضات دادگاه کیفری استان تهران و چند نفر از

1- Qualitative Method

پرستاران و مددکاران در دو بیمارستان اطفال تهران. همچنین به دو طریق از اسناد و مدارک استفاده گردید: اول، هجده پرونده موجود در ارتباط با تجاوز جنسی محارم در دادگاه‌ها که در دسترس قرار گرفت؛ و دوم، اسنادی که در ارتباط با بررسی عملکرد سازمان‌ها در زمینه آزار جنسی در دسترس قرار گرفت. همچنین مدتی نیز در دادگاه‌ها و مراکز نگهداری بهزیستی سپری شد. سرانجام در پنج منطقه پرخطر تهران یعنی مناطق ۱۵ الی ۱۹ میان معلمان و مدیران مدارس دخترانه نیز پرسشنامه‌هایی را پر کردند.

جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش، تمام دختران بالای ۱۳ سالی بودند که از سوی پدر یا برادر خود مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. دسترسی مشکل به نمونه‌های دخترانی که از سوی برادر یا پدر خود مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند معمولاً امکان بررسی نمونه‌ای تصادفی که نمایانگر^۱ تمام زیر گروه‌های این جامعه باشد را فراهم ننمود. لذا از هر نمونه‌ای که در سازمان بهزیستی، دادگاه‌ها، مدارس، مراکز حمایتی همچون گرم‌خانه‌ها یا توسط پرس و جوهای محقق برای پیدا کردن چنین نمونه‌هایی امکان پذیر بود استفاده شد. بنابراین تنها راه، استفاده از نمونه‌گیری احتمالی در دسترس و هدفمند بوده است. در نهایت نمونه‌ای از ۳۹ مورد از زنان و دخترانی که در خانواده تحت آزار جنسی پدر یا برادر قرار گرفته بودند مورد بررسی قرار گرفت. در این میان ۲۶ مورد به آزار جنسی پدر به دختر و ۱۳ مورد به آزار جنسی برادر به خواهر مربوط بود. سن دخترانی که مورد آزار جنسی پدرشان قرار گرفته بودند بین ۱۳ تا ۳۰ سال متغیر بود، هرچند بیشترین فراوانی مربوط به دختران ۱۳ تا ۲۰ ساله بود. همچنین سن خواهرانی که تحت آزار جنسی برادرشان قرار گرفته بودند بین ۱۵ تا ۴۰ سال بوده، گو اینکه بیشترین فراوانی مربوط به خواهران ۱۵ تا ۲۰ ساله بود.

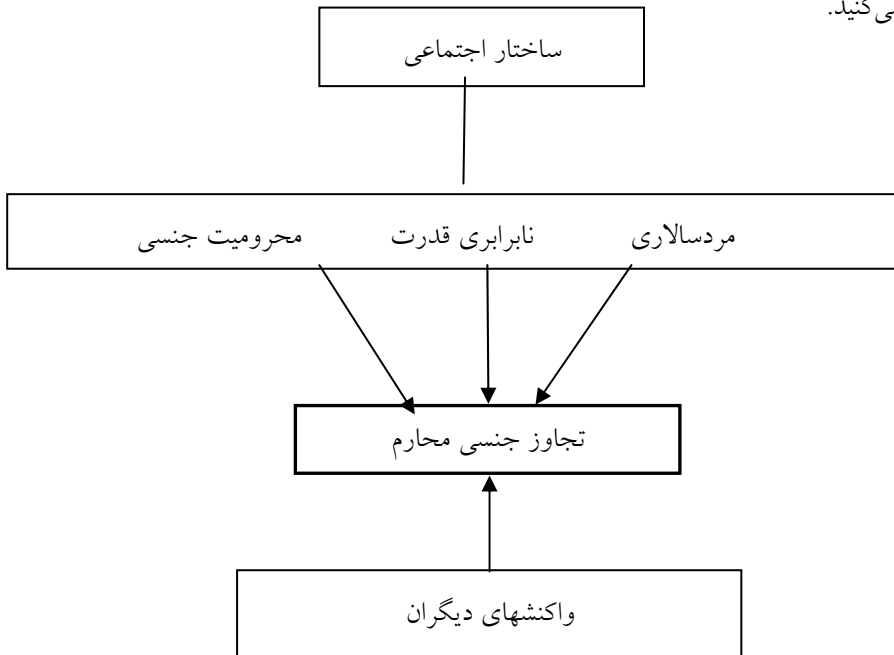
1- Representative

۱) سؤالات پژوهش

زمینه‌های تأثیرگذار بر تجاوز جنسی به محارم کدامند؟
آزارگران از چه استراتژی‌هایی برای رسیدن به کامیابی جنسی از محارم استفاده می‌کنند؟
واکنش آزاردیدگان نسبت به تجاوز، جنسی محارم چیست؟

چهارچوب مفهومی پژوهش

در زیر نمودار عناصر و مؤلفه‌هایی که با تجاوز جنسی محارم همبسته هستند مشاهده می‌کنید.



همان‌طور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود مؤلفه‌های مؤثر بر تجاوز جنسی محارم به مردسالاری و قدرت نابرابر و محرومیت جنسی بین آزاردیده و آزارگر باز می‌گردد. مؤلفه‌های مردسالاری و قدرت نابرابر از دلایل بنیادین تجاوز جنسی تلقی می‌شوند. در

متن این ساختار اجتماعی، مردان سلطه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر زنان دارند و زنان در چنین سیستمی موجوداتی صرفاً جنسی تلقی می‌گردند که باید به نیازهای مردان پاسخ گویند. همچنین در این ساختار، پدر از قدرت مشروع بسیار زیادی نسبت به فرزندان خود برخوردار است. با حاکمیت نظام مردسالارانه، در واقع فرزندان نه تنها از هویت مستقل و تعریف شده‌ای برخوردار نیستند زیرا همه هویت و وجود خود را از پدر می‌گیرند. تحت این گفتمان، منع قصاص پدر در برابر قتل عمد فرزندان و تلقی از قتل فرزند در اثر تأدیب و تنبیه به عنوان قتلی غیر عمد که به جهت تجاوز پدر از حدود تنبیه، صحیح و مفید به حال فرزند، روی داده است، نیز امری پذیرفتنی و مقبول قلمداد می‌گردد. بنابراین به جهت غلبه مطلق پدر در برابر فرزندان و نبود سیستم تعقیب کننده ویژه‌ای که قادر به پی‌گیری روابط پدر و فرزندان در سطح اجتماع باشد و فراتر از آن، منع مداخله نظام قدرت در درون خانه‌ها و خصوصی تلقی گردیدن رابطه پدر با فرزندان، عملاً امکان اجرا و اعمال رابطه جنسی با محارم به وجود می‌آید (ایروانیان و مالجو، ۱۳۸۸: ۳۲). علاوه بر این، محرومیت جنسی در میان مردان با توجه به نوع جامعه‌پذیری متفاوت زنان با مردان که به غلبه نگاه جنسی به همه چیز در پسرهای جوان و نوجوان در مقایسه با دختران منجر می‌شود و به این ترتیب، پسران رفتار خشونت‌آمیز و دختران رفتارهای انفعالی را یاد می‌گیرند و طبق آن رفتار می‌کنند و دختران یاد می‌گیرند سکوت کنند و از رفتار بد پسران چشم‌پوشی کنند زمینه بروز آزار جنسی محارم را به وجود می‌آورند. عامل دیگری که بر آزار جنسی محارم تأثیر می‌گذارد واکنش‌های دیگران است. این دیگری می‌تواند فرد آزاردیده، مادر یا سازمان‌های مربوط به آن باشند. در این راستا، واکنش‌های انفعالی دیگران در برابر آزار جنسی به تثبیت و بازتولید این رفتار می‌انجامد در حالیکه رفتارهای فاعلی، می‌تواند با نوعی مقاومت یا اعتراض همراه باشد و آزار جنسی مردانه را به چالش گیرد و از امکان شکل‌گیری آن بکاهد.

یافته‌های پژوهش

زمینه‌های تأثیرگذار بر تجاوز جنسی به محارم

برای پاسخ به این پرسش، سه زمینه شخصیتی - روانی، خانوادگی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. درباره زمینه روانی - شخصیتی زنان آزر دیده جنسی، باید گفت اکثر نمونه‌های مورد بررسی در این تحقیق تا قبل از تجاوز جنسی از خصوصیات روانی خاصی برخوردار نبودند تا موجب شده باشد مورد تجاوز جنسی قرار گیرند. اما به نظر می‌رسد زنانی که به دلیل جنسیت خاص یا حاملگی ناخواسته مورد پذیرش افراد خانواده نیستند و همچنین زنان دارای ناهنجاری ذهنی، نسبت به زنان دیگر، احتمال بیشتر مورد سوءاستفاده جنسی اعضای خانواده قرار می‌گیرند. همچنین بعضی پدرانی که دختر خود را مورد تجاوز جنسی قرار می‌دهند ویژگی‌های روانی-شخصیتی هم‌چون: تحمل پایین در برابر ناکامی، مشکلات در کنترل خشم، نقص در توانایی برقراری همدلی با اعضای خانواده، پرخاشگری کلامی و جسمی، سوء مصرف مواد و الکل، احساس اضطراب به هنگام رابطه جنسی با بزرگسالان، پدوفیلیا یا بچه‌گرایی، سابقه آزار جنسی در کودکی و همچنین سوءظن شدید نسبت به افراد خانواده را دارا می‌باشند.

درباره زمینه‌های خانوادگی تجاوز جنسی می‌توان به نتایج مشابهی دست یافت. به جرات می‌توان گفت هر چه از ساختار خانواده دموکرات و مساوات‌طلبانه به سوی ساختار خانواده خودکامه و بی‌بندبار و نابسامان پیش می‌رویم امکان تجاوز جنسی بیشتر می‌شود. در واقع تجاوز جنسی به محارم بیشتر در خانواده‌هایی روی می‌دهد که دارای انزوای اجتماعی هستند، ساختاری سنتی مبتنی بر مرد نان‌آور و زن خانه‌دار دارند، میزان ارتباط اعضای خانواده و روابط عاطفی بین آنان از اهمیت کمی برخوردار است، مشاجرات و خشونت‌های خانگی میان والدین همیشه وجود دارد، برای تربیت فرزندان هیچ منطق و تعادلی وجود ندارد، تربیت یا به شکل کاملاً سخت‌گیرانه است یا کاملاً سهل‌گیرانه، مردسالاری در این خانواده‌ها حرف اول را می‌زند و تصمیم‌گیری در آن کاملاً یک‌جانبه و از سوی پدر است. تقسیم کار در خانه، به شکل مرد نان‌آور و زن خانه‌دار است. اما

مهم‌ترین مسئله، حاکمیت انگاره‌های مالکانه در روابط میان پدر و فرزندان در این خانواده‌هاست که به جرأت می‌توان گفت که اصلی‌ترین کلید حل این معما است. در بسیاری از مصاحبه‌ها این نکته به وضوح قابل مشاهده بود که پدران دختران‌شان را مال خود می‌دانستند و هرچیز که مایل بودند حق استفاده از آنها، را به خود می‌دادند. در واقع تلقی مالکیت بر فرزندان، به شکلی مجوز این سوءاستفاده برای آنهاست. مثلاً مریم ۱۷ ساله می‌گوید: «روحم در عذاب بود وقتی می‌دیدم به کسی که باید پشتیبان من باشد، کسی که پدرمه از من لذت جنسی می‌بره، می‌گفت من باباتم اشکالی نداره، کسان دیگه نباید این کار را بکنند اما من اشکالی نداره... اما دیگه این آخری‌ها تحمل برام سخت بود...». یا پدر پریسا در طی مصاحبه‌های روان‌شناسی گفته است که: «در طی صحبت‌هایی که با مددکار داشتم فهمیدم که در ناخودآگاه این احساس که دخترم به من تعلق دارد و من می‌توانم هرگونه استفاده که می‌خواهم از او کنم وجود داشته و حالا سعی می‌کنم این احساس را از بین ببرم و یک پدر برای او باشم.» بنابراین یکی از مهم‌ترین آثار پذیرش نظام مردسالاری در روابط خانوادگی ایجاد انگاره‌هایی مبنی بر مالکیت پدر بر جسم و روح فرزند است. این امر، ذهنیت ویژه‌ای را در نزد پدران ایجاد نموده است. به نحوی که ایشان در برخی موارد، تصور می‌کنند که همان‌گونه که در ارتباط با املاک و وسایل خود قادر به انجام هر کاری می‌باشند به همان نحو نیز حق هرگونه رفتار را با فرزندان خود دارند. همچنین می‌توان گفت این خانواده‌ها، از نظر سطح سواد، سابقه کیفی، تعداد فرزندان، در زندگی مشترک یا طلاق وجدایی و تعلقات مذهبی می‌توانند بسیار متفاوت باشند و در سطوح متفاوت قرار گیرند.

درباره زمینه اقتصادی تجاوز جنسی محارم، می‌توان گفت این اتفاق در تمام سطوح اقتصادی می‌تواند رخ دهد. اما هر چه از طبقات فرادست جامعه به سوی طبقات فرودست جامعه پیش می‌رویم احتمال وقوع آن یا شاید احتمال گزارش‌دهی آن بیشتر می‌شود (مالجو، ۱۳۸۷).

استراتژی آزارگران برای تجاوز جنسی به محارم

استراتژی‌های تجاوز جنسی در چهار گروه طبقه‌بندی می‌شوند: (۱) استراتژی‌های اجبار و خشونت جسمانی (۲) استراتژی‌های تحریکات عاطفی و ارباب احساسی (۳) استراتژی‌های اقتصادی (۴) استراتژی‌های فریبکارانه. البته قابل ذکر است که افراد آزارگر، اغلب نه از یک استراتژی، بلکه در زمان‌های مختلف از استراتژی‌های گوناگون استفاده می‌کنند. در ذیل هر یک از این استراتژی‌ها را به شکل مبسوط تری توضیح داده می‌شود.

استراتژی اجبار و خشونت جسمانی

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، یکی از ویژگی‌های خانواده‌هایی که در آن تجاوز جنسی به محارم صورت می‌گیرد، عدم ارتباطات صحیح است و خشونت در این خانواده‌ها حرف اول را می‌زند. افرادی که هیچ ابایی از رفتارهای خشونت‌آمیز ندارند و از راه‌های گوناگونی، خواه ضرب و شتم خواه شلاق زدن یا سوزاندن برای به کرسی نشاندن حرف خود استفاده می‌کنند. بنابراین حربه زور یکی از رایج‌ترین شیوه‌های برقراری رابطه جنسی با محارم برای آزارگر است. اتفاقاً برای بسیاری از زنان آن چیز که خاطرۀ رابطه جنسی با محارم‌شان را سخت‌تر می‌کند همین اجبارها و کتک‌هاست.

مثلاً لیلی می‌گوید: «بابام من را از وقتی که مامانم را بیرون کرد اذیت می‌کرد، من را به زور می‌بردش حمام دستهایش را {...}، خیلی وقت‌ها هم که صبح‌ها چشمم را باز می‌کردم می‌دیدم داره {...}، من قبول نمی‌کردم اما می‌زد. یک‌بار محکم زد در گوشم گفت من باباتم وقتی می‌گم فلان کار را بکن غلط می‌کنی بگی نه...». اما پدر سارا، معمولاً از روش‌های غیر جسمانی برای ارتباط جنسی با دخترش استفاده می‌کرده است. اما بعدترها وقتی با مقاومت‌های سارا روبرو می‌شود و سارا دیگر حاضر به تمکین از پدر نمی‌شده است با ضربات کمربند و شلاق او را مجبور به ارتباط جنسی می‌کرده است. پریسا نیز تعریف می‌کند: «من را صدا زد و من رفتم به اتاق دیدم ظاهرش یک‌جوری هست حالش شهوانی بود فهمیدم دوباره می‌خواد حمله کنه و من در خطر. به خاطر پام نتوانستم فرار

کنم و به اجبار من را روی زمین خواباند و گفت شلوارت را دربیار و من مقاومت کردم و جیغ کشیدم که چاقو گذاشت دم گلویم و وادارم کرد لباس‌هایم را دربیارم، التماس کردم، گریه کردم، قسم دادم ولی فایده نداشت و با زور دستش {...} و من احساس درد شدیدی داشتم تمنا کردم ولی کار خودش را می‌کرد اصلاً گوش نمی‌داد و در همین حالت بود که مادرم وارد شد...». شاید بیشترین خشونت جسمانی را برای برقراری رابطه جنسی، پدر زینب و زینت به‌کار برده باشد. پدرشان در خیلی از مواقع قبل از برقراری رابطه جنسی به آنها قرص خواب می‌داده است. زینب در این باره می‌گوید: «اگر قرص‌های خواب را نمی‌خوردیم بیشتر کتک می‌زد. می‌گفت اگر به حرفام گوش نکنی می‌سوزانمت، چند بار صورتم را با آب‌جوش چون نداشتن بودم کاری بکنه سوزانده بود. حتی چندبار من را در کمد محبوس کرده و پایم را با فن‌دک سوزانده و به من تجاوز کرده است و من می‌ترسیدم و کاری نمی‌توانستم بکنم». خواهرش زینت هم می‌گوید: «چندبار وقتی خواب بودم به سراغم آمده بود چون با چاقو تهدید می‌کرد از ترس جانم چیزی نگفتم، پدری که به دخترانش رحم نمی‌کند حتماً می‌تونه آنها را بکشه...». پزشکی قانونی هم صحت سوختگی‌های متعدد را در بدن این دو خواهر تأیید می‌کند. میترا نیز درباره برقراری رابطه جنسی با پدرش می‌گوید: «هر وقت که مخالفت می‌کردم یا چندبار که در اتاق را قفل کردم فرداش آن‌قدر من را کتک می‌زد و می‌ترساند تا دیگر جرأت مخالفت نداشته باشم».

استراتژی‌های اغوای عاطفی و ارباب احساسی

همانطور که پیش‌تر هم توضیح داده شد، خانواده‌هایی که در آن تجاوز جنسی به محارم وجود دارد معمولاً نسبت به دیگران، دچار انزوای اجتماعی هستند و همچنین کمترین میزان ارتباط عاطفی محبت از سوی پدر نسبت به آنان صورت می‌پذیرد. بنابراین منظور از اغوای عاطفی این است که بعضی دختران از سوی پدر خود اغوا می‌شوند، به این معنی که پدر، محبت به فرزندش را با رابطه جنسی مبادله می‌کند. بنابراین گاه این دختران به این باور می‌رسند که تنها راه دوست داشته شدن و مورد توجه قرار گرفتن از سوی پدر،

این است که مورد سوءاستفاده جنسی قرار گیرند. پس در اینجا نوعی خشونت عاطفی هم شکل می‌گیرد زیرا قربانیان تجاوز جنسی محارم مخصوصاً آنها که سن کم‌تری دارند به دلیل نسبت فامیلی، به آزارگر خود وابسته هستند و مهمتر اینکه نه جایی برای پناه دارند و نه کسی که به آن پناه برند. آنها به حکم طبیعت، اطرافیان‌شان را دوست دارند و تهدیدهای عاطفی را جدی می‌گیرند. خشونت‌های عاطفی به اندازه خشونت‌های جسمانی و جنسی به آنها لطمه می‌زند. بنابراین بسیاری از آزارگران از این استراتژی برای برقراری رابطه جنسی استفاده می‌کنند. بسیاری فرزندان را به ترک خانواده یا آسیب زدن به سایر اعضاء خانواده تهدید می‌کنند. یا خشونت‌های دیگری از این دست را اعمال می‌کنند. بنابراین آزاردیدگان یا باید خواسته آزارگر را قبول کنند، یا باید ریسک از دست دادن خیلی چیزها را کنند. آنان در موقعیت‌های سختی قرار می‌گیرند.

مثلاً فاطمه که بعد از جدایی والدینش با مادرش زندگی می‌کند، دوران سختی را گذرانده و مادرش به تازگی به خاطر مشکلات اقتصادی به صیغه مردی درآمده که اکنون ناپدری فاطمه است. فاطمه می‌گوید: «...با ناپدریم تا ساعت ۱۰ شب مسافركشی کردیم. بعد رفتیم یک رستوران شام خوردیم و خیلی با من مهربانی کردش، بعدش رفتیم در یک خیابان خلوت نگه داشت. گفت بیا بغلم بعد من را بوسید بعدش گفت شلوارت را بیرون بکش که من گفتم نه، بعد خیلی حرف زد که اگر این کار را نکنی مادرت را ول می‌کنم و کسی نیست که از شما نگهداری کنه بیچاره می‌شوید. دوباره من با اکراه قبول کردم و {...}، بعد با دستش بدنم را لمس کرد و {...}...». همچنین روان‌شناس درباره رابطه جنسی اعظم و پدرش می‌گوید: «اعظم به دلیل قرار داشتن در سن بحرانی بلوغ و صدمات عاطفی ناشی از مرگ مادر و همچنین تحت تاثیر غلیان نیازهای عاطفی و جنسی دوره بلوغ به تدریج به چنین رابطه‌ای عادت کرده و همانند قبل، اعتراض چندانی نشان نمی‌دهد و به نظر می‌رسد به دلیل سن کم و ناپختگی نسبت به عواقب و حتی احساس کاذب دلسوزی و ترحم نسبت به پدر که این مسأله یکی از تجلیات احساس فرد قربانی نسبت به آزاردهنده خود است رابطه با پدر را قبول کرده است». در این میان پدر سارا بهتر از

هرکسی توانسته بود از جهت احساسی روی دخترش تاثیر بگذارد. سارا دربارهٔ دوران کودکی‌اش می‌گوید: «بابام می‌گفت من می‌خوام جای مادر را برات بگیرم، من تو را دوست دارم، منم احساس می‌کردم که هر پدری این کارها را با دخترش انجام می‌ده...». سارا می‌گوید: «بابام من را می‌برد به اتاق خوابش کلی باهام حرف می‌زد انگار که داره با یک زن بزرگ حرف می‌زنه انگار که من یک زنم. من گریه می‌کردم قول می‌گرفتم که آخرین بار باشه، می‌گفت این کار را به خاطر بابایی انجام بده، من تو را دوست دارم. دستم را بوس می‌کرد، خودش لباس‌هام را در می‌آورد. دلم براش می‌سوخت، احساس می‌کردم کسی دوستش نداره...». مژگان نیز می‌گوید: «من بعضی وقت‌ها که دست خودم نبود شب‌ها داد می‌کشدم. می‌گفت اگر می‌خواهی بابات باشم باهات مهربان باشم جیغ نکش. گاهی هم می‌گفت هم مادرت را می‌کشم هم خودت را می‌کشم یا بچه را می‌کشم...». مرضیه هم از طریق تهدید تنها فرد مورد علاقه‌اش در خانواده، تحت فشار روانی قرار می‌گرفت. چون مرضیه علاقهٔ زیادی به برادر ۱۴ ساله معلولش داشت، می‌گوید: «وقتی می‌خواست رابطه داشته باشه من کاری نمی‌تونستم بکنم. {...}، قسم می‌داد به جان آن داداشم که مریضه می‌گفت اگر این کار را نکنی دیگه نگهش نمی‌دارم آخه من فقط در کل آن خانه، مرتضی را دوست دارم». نسرين هم می‌گوید: «وقتی که مخالفت می‌کردم خیلی اذیتم می‌کرد. می‌گفت اگر این کارها را نکنی می‌فروشم به آدم‌های دیگه...». یا میترا می‌گوید: «وقتی مخالفت می‌کردم کتک می‌زد یا کتاب‌های درسیم را پاره می‌کرد که من جرأت مخالفت نداشتم باشم». پدر سپیده هم گاه با کتک زدن، گاه با تهدید به کشتن و گاه هم با روش‌های محبت‌آمیز به خلوت دخترش می‌رفته است. سپیده می‌گوید: «با مهربانی آمده بود پیشم می‌گفت تو بیوه هستی و من هم پدر تو هستم اگر من تو را ارضاء کنم بهتر از این است که بروی بیرون و با مردم دیگر رابطه داشته باشی... می‌گفتم من اصلاً نمی‌خوام کسی من را ارضاء کنه...».

استراتژی‌های اقتصادی

استراتژی دیگری که محارم آزارگر برای برقراری رابطه جنسی استفاده می‌کنند استراتژی اقتصادی است. در واقع آنان، گاه برای برقراری رابطه جنسی به محارم خود پیشنهاد رشوه می‌دهند. مثلاً پرداخت پول یا دادن امکانات رفاهی نوعی رشوه دادن است. مثلاً مهدیه که بارها از سوی برادرش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است می‌گوید: «هفته پیش که برادرم از فشم آمد، به من گفت که بیا با هم {...} انجام دهیم و گفت اگر این کار را انجام دهی به تو پول می‌دهم که من قبول نکردم...». یا سمانه که پدرش از کودکی او را مورد آزار جنسی قرار داده است می‌گوید: «وقتی خواستم ازدواج کنم درخواست جهیزیه ازش کردم و به من گفت هر وقت با من هم‌خوابی کردی آن وقت من برای تو هر چیزی که بخواهی می‌خرم و من قبول نکردم و جهیزیه درست برایم فراهم نکرد. بعد از ازدواج هم گفتم شاید حالا که من ازدواج کردم به من کمکی کند و آن فکرهای پلید از سرش بیرون رفته باشد و باز برای اینکه دست و بالم خیلی تنگ بود ازش درخواست کمک کردم. یکروز به منزل مادرشوهرم که ما در طبقه بالایش بودیم آمد و به من گفت دیدی گفتم که هر جا بروی و در طول زندگیت به من احتیاج داری، تو با من باش، من برای تو همه کار می‌کنم...». جالب این است که پدر سمانه عروسیش را هم مورد آزار جنسی قرار داده است. مریم عروسیش می‌گوید: «یکبار آمد دنبالم و من را سوار ماشینش کرد و به صورت غیرعادی من را لمس می‌کرد و می‌گفت اگر به پسر امین چیزی نگویی یک چیز خوب پیش من داری... می‌گفت اگر قبول کنی من همه چی بهت می‌دم...». می‌توان بعضی از تهدیدهای پدر سارا مبنی بر گرفتن امکانات رفاهی - اقتصادی هم‌چون موبایل و پول تو جیبی را هم نوعی استراتژی اقتصادی بدانیم.

استراتژی‌های فریبکارانه

دروغ و سعی به فریب دادن آزاردیده از دیگر استراتژی‌هایی است که برای برقراری رابطه جنسی استفاده می‌شود. البته به این معنا نیست که لزوماً فرد آزاردیده این فریب‌ها را

باور می‌کند، اما به هر حال راهی است که آزارگر برای رسیدن به هدف خود استفاده می‌کند. مثلاً پدر مرجان و پدر شیرین هر دو به دخترانشان می‌گفتند که برقراری رابطه جنسی با فرزند خود چیز رایجی است. مرجان می‌گوید: «ساعت؟ شب بود که من را صدا زد به داخل اتاق و شروع کرد به نمایش دادن یک سی‌دی {مستهجن} که در آن زن و مرد کارهای زشت می‌کردند و بعد از من خواست تا لباس‌هایم را درآورم که قبول نکردم و گفت این کاری است که همه می‌کنند و تو هم باید انجام دهی...». یا شیرین می‌گوید: «همیشه از بچگی می‌گفت که همه دخترها و پدرها از این کارها می‌کنند و در دین اسلام زن تا زمانی که شوهر ندارد یا بیوه هستش به پدرش می‌رسد که پدر هر کاری بخواد می‌تونه انجام بده...».

پدر منصوره هم اولین بار به بهانه توضیح مسائل جنسی به دخترش او را مورد آزار جنسی قرار داده است. منصوره می‌گوید: «یک‌روز که کسی در خانه نبود و فقط من و پدرم در خانه بودیم سر همین جریان ازدواج، بحث‌مان شد. برعکس همیشه، خیلی مهربان شده بود، بعد بحث را کشید به اینکه ازدواج خوبه، آدم باید غرایز جنسی‌اش ارضاء بشه، بعد شروع کرد که رابطه جنسی خیلی مهمه بعد هی به من دست می‌مالید و نشان می‌داد، کم‌کم هی بیشتر شد، یک‌جوری شده بود، من اولش باورم نمی‌شد فکر می‌کردم واقعاً داره توضیح می‌ده اما کم‌کم شوکه شده بودم اصلاً صدام در نمی‌آمد...». برادر مهدیه هم از طریق تهدید به اینکه اگر با من رابطه جنسی نداشته باشی بهت تهمت بی‌آبرویی می‌زنم سعی می‌کرده تا خواهرش را مجبور به برقراری رابطه جنسی کند. زیرا آن‌ها در خانواده‌ای مذهبی زندگی می‌کردند و تهدید به تهمت، باعث وحشت مهدیه می‌شده است. پدر نوشین هم از طریق بیهوش کردن دخترش، با او رابطه جنسی برقرار می‌کرده است. نوشین می‌گوید: «رفتارش همیشه مشکوک بود، با من. اما فکر بدی نمی‌کردم در رابطه پدر و دختری، بعضی شب‌ها که مادرم کشیک بود و به خانه نمی‌آمد وقتی صبح از خواب بیدار می‌شدم احساس کرختی می‌کردم اما دلش را نمی‌دانستم. تا این که هفته پیش غذایی که بابام برام کشیده بود را چون اشتها نداشتم نخوردم و یواشکی برگرداندم در ظرفش و شب

در هنگام خواب متوجه شدم که پدرم به کنارم آمده و من هیچ عکس‌عملی از ترس نتوانستم نشان دهم و خودم را به خواب زدم که به من...».

پدر ندا هم بعد از اینکه دخترش را معتاد می‌کند شروع به فروختن او می‌کند و در نهایت هم خودش به او تجاوز می‌کند. ندا می‌گوید: «چند ماه بعد از طلاق، مریض بودم سردرد شدید داشتم، بابام گفت بیا این را بکش خوب میشی، من زدم دیدم چه خوبه سرحال شدم، دیدم حال خوب شدش، باز داد باز زدم، آنقدر داد که چشم باز کردم دیدم معتاد شدم، بعد که معتاد شدم دوست‌ها و مشتری‌هایش را می‌آورد، اگر حرف می‌زدم کنک می‌زد، پشتم سیگار می‌سوزاندش...معتاد بودم دیگه چاره‌ای نداشتم...بعد کم‌کم خودش هم بهم تجاوز کرد».

واکنش آزاردیده به تجاوز جنسی محارم

منظور از واکنش زنان به تجاوز جنسی، عکس‌عمل‌هایی است که از طرف آزاردیده نسبت به فرد آزارگر که در این پژوهش پدر یا برادر است نشان داده می‌شود. اگر ما طیفی را در نظر بگیریم در یک‌سوی آن می‌توان واکنش‌های انفعالی و در سوی دیگر، واکنش‌های فعالانه را مشاهده کرد. بنابراین در این طیف می‌توان انواع متفاوتی از رفتارهای واکنشی را از سوی زنان دید که می‌توانند نسبت به یک‌دیگر فرق داشته باشد اما در این پژوهش، اکثر آنان از الگویی شبیه به هم پیروی کرده‌اند.

آلبرت هیرشمن کتابی دارد تحت عنوان «خروج، اعتراض و وفاداری»، این کتاب کلاسیک در واقع عکس‌عمل‌های مشتریان بنگاه یا اعضای سازمان را به افت کیفیت کالای بنگاه یا عملکرد سازمان نشان می‌دهد. عکس‌عمل‌های این کنش‌گران نوعی ساز و کار تجدید قوا را درون بنگاه یا سازمان رو به افت فعال می‌کند (هیرشمن، ۱۳۸۲، ۱۴). اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و علمای سیاست از این نظریه به سرعت استقبال کردند و طی کمابیش سی و چند سالی که از انتشار آن می‌گذرد از زوایای بسیار مختلفی آن را گسترش داده‌اند و در قلمروهای بسیار متنوعی به کار گرفته‌اند

(مالجو، ۱۶، ۱۳۸۱). ما هم در این پژوهش با کمی تفاوت، تلاش کردیم واکنش‌های زنان به تجاوز جنسی محارم را در قالب چهار مورد، سکوت، مقاومت، اعتراض، و خروج تشریح کنیم.

سکوت^۱

این واکنش حاصل نگاهی منفعلانه یا گاه خوش‌بینانه برای بهتر شدن مشکل موجود است. در واقع فرد، نه امکان خروج دارد و نه به اعتراض روی می‌آورد. این سکوت گاه ناشی از خجالت کشیدن و شرم و حیا است، گاه ترس از مجرم تلقی شدن یا ترس از حضور در جمع و بیان ماجرا و انگشت نما شدن و گاه حتی ترس از دست دادن فرد آزارگر که می‌تواند پدر یا برادر آزاردیده باشد، چرا که در هر صورت آزاردیده و آزارگر دارای پیوندی خونی و عاطفی هستند. از همه مهم‌تر ترس از اقدام تلافی‌جویانه آزارگر و گاه گپیج شدن و شوکه شدن از تجاوز جنسی از سوی، محارم می‌تواند دلیل دیگر سکوت آزاردیده باشد. با نگاهی به مصاحبه‌های انجام شده می‌توان فهمید که بیشتر زنان آزاردیده این پژوهش در اکثر مواقع نسبت به تجاوز جنسی واکنش انفعالی داشته‌اند. در واقع بسیاری از آزاردیدگان جنسی توسط محارم برای مدت زمان زیادی این مسأله را مخفی نگاه می‌دارند و درباره آن به دلایل گوناگون با کسی صحبت نمی‌کنند. مخصوصاً وقتی آزارهای جنسی به صورت خفیف است به این معنی که در حد دستمالی کردن است واکنش سکوت بیشتر امکان بروز دارد. سکوت گاه به دلیل خجالت و گاه هم واکنشی است حاصل از سردرگمی که چه باید کرد. مثلاً مژگان از دوازده سالگی، زمانی که آزارهای جنسی پدر شروع شده بود می‌گوید: «بعضی شب‌ها می‌خواهید کنارم، بعد بدنم را مالش می‌داد، من اصلاً فکر نمی‌کردم که چیز خاصی باشد. حتی بعضی وقت‌ها که دستش را جای خاصی می‌برد (از روی لباس) من خجالت می‌کشیدم اما اصلاً فکر بدی نمی‌کردم. اما مدام بیشتر شدش مدام دستش را می‌داشت جاهای خاص... (سکوت)... دیگه کم‌کم

1- silence

فهمیدم، اما هیچ وقت جرأت اینکه بخوام اصلاً چشمم را باز کنم نداشتم... رابطه مان کامل نبود، {...} بعضی وقت‌ها که می‌دانستم امشب می‌خواد اذیتم کنه شب آن قدر قرص‌های قوی خواب می‌خوردم که شب بی‌حال باشم و چیزی نفهمم یا منگ باشم و کمتر بفهمم». نوشین هم اولین بار که متوجه تجاوز پدرش می‌شود کاملاً شوکه می‌شود. پدر او بارها در نبود مادر در غذای او مواد بی‌هوشی می‌ریخته، اما شبی بطور اتفاقی نوشین غذا را به داخل ظرف‌اش برمی‌گرداند و نمی‌خورد «شب در هنگام خواب متوجه شدم پدرم به کنارم آمد و من هیچ عکس‌العملی از ترس نتوانستم نشان دهم و خودم را به خواب زدم که به من تجاوز کرد...». وحشتی که می‌گویم شاید جایی نمود بیشتری دارد که پریسا می‌گوید: «در خواب که بودم دستش را {...} پشتم را می‌مالید من از ترسم جیکم در نمی‌آمد، هی بیشتر می‌شد شب‌ها تا جایی که {...} اصلاً آن قدر می‌ترسیدم که هیچ کاری نمی‌توانستم بکنم...». سپیده هم می‌گوید: «یک‌بار خواب بودم شب آمد سراغم، به پهلو خوابیده بودم {...}، حالم بد شده بود اما به روی خودم نیاوردم اصلاً جرأت حرف زدن نداشتم. همیشه همین‌جوری بود وقتی می‌آمد به خانه... منم جرأت گفتنش را نداشتم».

گاهی هم سکوت به این دلیل است که آزاردیده امیدی به رهایی ندارد و راهی جزء آن نمی‌یابد. مثلاً مرجان می‌گوید: «من از همان اول می‌دانستم که کار بابام بد هستش اما هیچ کاری نمی‌توانستم بکنم، ازش می‌ترسیدم وقتی هم که این کارها را می‌کرد بیشتر ازش می‌ترسیدم. هم اینکه اگر من می‌گفتم نکن، فایده‌ای نداشت. فقط آرزو می‌کردم زودتر کارش تمام بشه، وقتی از من می‌خواست {...} آن قدر می‌ترسیدم و خشک می‌شدم، وقتی کارش تمام می‌شد من می‌ماندم در حمام آن می‌رفت انگار نه انگار که چیزی شده...». شقایق هم می‌گوید: «خیلی وقتها موقع آن کارها، خجالت می‌کشیدم، انگار نمی‌توانستم نه بگم، جرأتش را هم نداشتم البته فایده‌ای هم نداشت، اوکار خودش را می‌کرد...».

گاه نیز سکوت به دلیل تهدیدها و ترس‌هایی است که آزارگر برای آزاردیده ایجاد می‌کند. مثلاً سهیلا می‌گوید: «آنقدر از بچگی گفته بود به کسی نگو، اگر بگی باید برید در خیابان بمانید و این جور چیزها من می‌ترسیدم و آن ترس مانده بود در خودم و همیشه

پنهان‌کاری می‌کردم...». الهام نیز که از سوی برادرش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است می‌گوید: «تهدید به آتش زدن خانه و مادرم کرده بود و چون فرد شروری است می‌ترسیدم به کسی بگویم...». لیلی نیز در ارتباط با تهدیدهای پدر که او را به سکوت وادار کرده می‌گوید: «بهش می‌گفتم به مامانم می‌گم، می‌گفت اگر به کسی بگی تو را می‌کشم و به همه می‌گم گم شدی یا می‌گفت کاری می‌کنم که شبیه میمون بشی که این کار را هم یک‌بار کرد، چون یک‌بار فهمید که می‌خوام برم به مامانم بگم با تیغ ابرو هام را تراشید و مو هام را تراشید و من خجالت می‌کشیدم که بخوام از خانه برم بیرون. تابستان بود مدراس هم تعطیل بود...». الهام خواهر اعظم هم می‌گوید: «من خودم بارها شنیدم که پدرم به اعظم می‌گوید اگر نزد قاضی یا مأموران بروی و حقایق را تعریف کنی، خودتان می‌دانید که من آدم کینه‌ای هستم، با اینکه دختران من هستم ولی در موقع افشا شدن مسایل، من انتقامم را از شما می‌گیرم و نمی‌گذارم زنده بمانید. پس حقایق را نمی‌گویید تا من بتوانم پیش شما بمانم.»

گاهی هم سکوت به این دلیل است که آزاردیده نه تنها می‌ترسد که خود آسیب ببیند بلکه نگران است که با فاش ساختن این راز، شیرازه زندگی خانوادگی‌شان از هم گسسته شود. در واقع وفاداری به خانواده، نیروی قدرتمندی است که مانع افشای حقایق می‌شود. مثلاً میترا می‌گوید: «اگر شکایت نکردم تا به امروز، به علت ترس بود که با تهدید و کتک‌کاری که می‌کرد من را می‌ترساند، به خاطر این‌که آبروی خانواده‌ام و خودم نمی‌خواستم برود، چون اگر شکایت می‌کردم ممکن بود مادرم هیچ‌وقت برنگردد. هر والدینی بر روی فرزندان خود و اخلاقیات آن‌ها تسلط دارند و پدرم خوب می‌دانست که من جرأت و اعتماد به نفس و توانایی شکایت کردن را ندارم...». با آنکه فروپاشی خانواده‌ای که در آن تجاوز جنسی وجود دارد کاملاً به نفع آزاردیده است، اما آنها خود را مسئول و مسبب این جریانات می‌بینند و احساس گناه می‌کنند. مثلاً فاطمه که ناپدری‌اش او را تهدید کرده بود که اگر رابطه جنسی نداشته باشد مادرش را رها می‌کند بعد از دستگیری توسط مأموران انتظامی حاضر به فاش ساختن جریان نبود و می‌گفت: «چی کار کنم که باعث نشه ناپدریم مادرم را ول کنه؟...».

همچنین ترس از انگ خوردن در جامعه‌ای که قربانی را مقصر می‌داند، یکی دیگر از دلایل سکوت است. مثلاً منصوره می‌گوید: «پدرم می‌گفت به هر کسی بگی میگن عیب از خود دختره است. من هم که پدرتم کسی جرأت نمی‌کنه بخواد به من حرفی بزنه...». لیلی هم می‌گوید: «می‌گفت به کسی نگو چون برات حرف در می‌آورند و باور نمی‌کنند و می‌گویند تو دیوانه شدی...». به همین دلیل هم، در موارد تجاوز برادر به خواهر باعث می‌شود دختران آزاردیده به دلیل ترس از غیرتی شدن پدر و ترس از صدمه دیدگی، واقعیت را به خانواده نگویند و همان‌طور که گفته شد، این نگاه خود برآمده از تفکر سنتی است که قربانی را مقصر می‌داند. ملیحه می‌گوید: «به پدرم هم جرأت نکردم بگویم چون آدم عصبی و غیرتی است و حتماً من را می‌کشت چون فکر می‌کرد حتماً من کاری کردم که برادرم با من این کار را کرده است». یا طاهره می‌گوید: «از این رابطه با کسی حرفی نزدم چون خانواده‌ام مذهبی هستند و من را می‌کشتند...».

بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان دلایل زنان برای سکوت در برابر تجاوز جنسی محارم را اینگونه ذکر کرد که بسیاری از زنان به امید تغییر در وضع موجود، سکوت و تحمل پیشه می‌کنند. اما عده‌ای نه به دلیل امید به بهتر شدن اوضاع، بلکه به دلیل ترس و وحشت از فرد آزارگر و تهدیدهای او سکوت می‌کنند. همچنین ترس از انگ خوردن در جامعه‌ای که قربانی را مقصر می‌داند یکی دیگر از دلایل سکوت است مخصوصاً در موارد تجاوز جنسی برادر به خواهر، دختر به خاطر ترس از غیرت پدر و صدمه دیدن از جانب خانواده، سکوت می‌کند. همچنین ترس از مجازات اعدام هم برای آزاردیده هم آزارگر که به هر حال دارای روابط خونی هستند از دیگر دلایل سکوت است. علاوه بر اینها در گفتمان سنتی و بر اساس عرف و سنت روابط، بر مبنای تقدم منافع جمعی بر منافع فردی و شخصی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این شرایط فرد آزاردیده از منافع فردی که حفظ امنیت و عدم تجاوز است به دلیل حفظ بنیان خانواده می‌گذرد. در نهایت شاید این‌گونه بتوان توضیح داد که اساساً این جرم تحت تأثیر شرایط متعددی تحقق می‌یابد که مهم‌ترین آن، تابو بودن این مفهوم است. به همین دلیل، تجاوز جنسی در خانواده و توسط محارم

پوشیده می‌ماند. حتی اگر بزه دیده، این امر را با والدین خود در میان بگذارد در اغلب موارد، والدین به جهت مسایل فرهنگ سنتی حاکم بر ایران و حواشی پیرامون مسایل جنسی، از فاش نمودن این گونه مسایل اجتناب می‌ورزند.

مقاومت^۱

بسیاری از زنان که دچار تجاوز جنسی از سوی محارم می‌شوند بعد از مدت‌ها سکوت و رفتارهای انفعالی، دست به واکنش مقاومت می‌زنند. در واقع در مقابل آزار و تجاوز جنسی ایستادگی و مقاومت می‌کنند. این مقاومت صرفاً به معنای فیزیکی نیست، بلکه مقاومت‌های روحی را نیز در خود دارد. واکنش مقاومت شامل استراتژی‌هایی است که به کمک آن، زنان سعی می‌کنند هم از تجاوزهای جنسی مکرر جلوگیری کنند و هم سعی می‌کنند به کمک آن از فشارهای روانی مضاعف دوری گزینند. قابل ذکر است که این استراتژی‌ها لزوماً باعث از بین رفتن یا کم شدن تجاوزهای جنسی نمی‌شد اما به هر حال کمک می‌کرد تا واکنش مقاومت شکل بگیرد و رفتار صرفاً انفعالی نباشد. جیغ کشیدن در بعضی مواقع یکی از روش‌های مقاومت در برابر تجاوزهای جنسی است. مثلاً فهیمه که از سوی برادرانش مورد آزار جنسی قرار می‌گیرد می‌گوید: «دستمالیم می‌کنند یا لباس‌هایم را به زور در می‌آورند. اما تا حالا نتوانستند بیشتر از این اذیتم کنند چون آنقدر جیغ می‌کشم تا ولم کنند. آنقدر کتک خوردم ازشان که دیگه پوست تنم کلفت شده، هرچی باشه من از بچگی در این خانه بزرگ شدم دیگه، همه چی را خوب بلدم...». پریسا هم درباره پدرش می‌گوید: «یک ماه قبل، مامانم خانه نبود شروع کرد به اینکه می‌گفت رابطه داشته باشیم، شروع کرد به کتک زدن اصلاً واسش مهم نبود که منم پام مریضه، منم آنقدر جیغ و فریاد کشیدم و گریه و التماس کردم که نمی‌دانم چطور شد که خودش را عقب کشید اما...».

دوری کردن از فرد آزارگر، استراتژی دیگری برای کاهش تجاوز جنسی مجدد است. مثلاً مهدیه می‌گوید: «برادرم شب‌ها در نزدیکی من خود ارضائی می‌کرد و از ترسی که

1- Resistance

داشتم با کسی حرفی نزدم و سعی می‌کردم نزدیکش نباشم و باهاش کاری نداشته باشم و اصلاً تنها نمونم باهاش...». النا هم می‌گوید: «بارها و به تعداد زیاد وقتی که در خانه با برادرم بودیم می‌فهمیدم خودارضائی می‌کنه و چون درخانه‌امان احساس امنیت و آسایش نداشتم به همین دلیل سعی می‌کردم در خانه با او تنها نمانم و روی اینکه بخوام مسأله را با والدینم عنوان کنم را هم نداشتم». الهام هم می‌گوید: «سعی می‌کردم بعد از اینکه کارم در محل کار تمام می‌شد، آنقدر در خیابان بمانم تا کار خواهرهم تمام بشه و بعد از او به خانه بروم تا تنها نباشم».

در بسیاری از نمونه‌ها، حمام، محلی برای چشم‌چرانی یا آزارهای جنسی از سوی برادر یا پدر بوده است. بنابراین بسیاری از آنان سعی می‌کردند تا زمانی از آن استفاده کنند که احتمال خطر آزار جنسی کم باشد. مثلاً مژگان می‌گوید: «حمام و توالت ما یک شیشه در بالا بینشون هست، یک قسمت از شیشه را سوراخ کرده بود و نگاه می‌کرد منم به خاطر همین خیلی وقت‌ها حمام نمی‌رفتم یا وقتی خانه نبود می‌رفتم حمام...». منصوره هم می‌گوید: «او وقتی در حمام هم هستم به هر طریقی من را مجاب می‌کند که در را برای او باز کنم واسه همین اصلاً جرأت نمی‌کنم بروم حمام یا وقتی می‌روم که در خانه نباشه زود می‌روم و می‌آم بیرون».

یکی دیگر از استراتژی‌های مقاومت و ایستادگی در برابر تجاوز جنسی، همراه کردن فرد دیگری در زمان تنهایی و مخصوصاً شب‌ها هنگام خواب است. مثلاً اعظم سعی می‌کرده است شب‌ها کنار مادر بزرگش بخوابد تا پدرش نتواند او را مورد آزار قرار دهد. یا ترانه می‌گوید: «سعی می‌کردم شب‌ها زود نخوابم که بیاد و... یا سعی می‌کردم بچه‌ها را بخوابانم کنارم که نیاد سراغم... سعی می‌کردم زیاد جلوش قرار نگیرم...».

یکی از خلاقانه‌ترین استراتژی‌های مقاومت را در این تحقیق لیلی استفاده کرده است. لیلی می‌گوید: «خیلی وقت‌ها که صبح‌ها چشم باز می‌کردم می‌دیدم داره سینه‌هایم را {...} من هم یک بار پماد پشه مالیدم که نتونه این کار را کنه... وقتی فهمید خیلی کتکم زد...». در واقع لیلی که توان ایستادگی در برابر خواسته‌های پدرش را نداشته است، فکر می‌کند با

مالیدن پماد تلخ ضد پشه می‌تواند جلوی هوس‌های پدرش ایستادگی کند. میترا هم هر وقت می‌توانسته در اتاقی می‌خوابیده که بتواند در آن را قفل کند.

همانطور که گفته شد، گاهی استراتژی‌های مقاومت، راهی برای کم کردن فشارهای روانی حاصل از تجاوزهای جنسی است، با این توضیح، شقایق اینگونه خودش را آرام می‌کرده است: «فکر می‌کردم مقاومت کردنم الکی هستش، اما همیشه تو ذهنم می‌گفتم که یک روزی ازش انتقام می‌گیرم و با این فکرها تحمل می‌کردم...». یا غزاله و برادرش به این شکل مسئله را فرافکن می‌کردند: «بعد از عمل نزدیکی به من گفت اگر با کسی حرفی بزنی می‌کشم، من همزاد کیوان هستم، کیوان پسر خوبی هستش اما چون با کسی رابطه برقرار نمی‌کنه که من ارضاء بشم من با تو این کار را کردم حالا باور کردی که همزاد هم وجود دارد. بعد رفت به دستشویی خانه و من سریعاً لباس پوشیدم و چیزی به روی خودم نیاوردم انگار که باورم شده بود. یعنی دلم می‌خواست که باور کنم...». یا منصوره می‌گوید: «وقتی این کارها را می‌کند یک‌جوری رفتار می‌کنم برای خودم که انگار اتفاقی نیافتاده است. مثل سنگ بودم اصلاً احساس نداشتم دیگه، وقتی بهش فکر می‌کردم بیشتر دیوونه می‌شدم...». هم‌چنین خوردن قرص‌های اعصاب یکی دیگر از راه‌هایی است که زنان سعی می‌کردند به کمک آن فشارهای روانی حاصله را تحمل کنند.

اعتراض^۱

بسیاری از زنانی که مورد تجاوز جنسی محارم قرار می‌گیرند از واکنش مقاومت عبور نمی‌کنند و به اعتراض روی نمی‌آورند که خود از دلایلی است که باعث می‌شود تجاوز جنسی همیشه مخفی و پنهان باقی بماند. آنان سعی می‌کنند قوانین خانواده را نشکنند، به همین دلیل در مقابل تجاوز جنسی پاسخ نمی‌دهند و اعتراض نمی‌کنند، در واقع با تصمیم به اعتراض یا سکوت در کشمکش هستند. اما یکی از فاکتورهایی که احتمال اعتراض را افزایش می‌دهد رفتارهای افراطی و مدت زمان طولانی در تجاوز جنسی است.

1- Voice

واکنش اعتراض، زمانی اتفاق می‌افتد که فرد شروع به گفتن مشکلاتش می‌کند. اعتراض در واقع کنشی است که برای تغییر در وضع ناخوشایند انجام می‌شود، خواه از طریق غرولند به اطرافیان و دوستان و خویشاوندان، خواه از طریق دادخواست و توسل به مقامات بالاتر با قصد پایان دادن به مشکل موجود. اما قابل ذکر است که لزوماً اعتراض کردن، آزار جنسی را از بین نمی‌برد.

زمانی که فردی برخوردار از شبکه‌های فردی و حمایت‌های اجتماعی باشد، امکان واکنش اعتراض برای او بیشتر خواهد شد. شبکه هر فرد، مبتنی بر پیوندها و روابط شکل می‌گیرد. پیوندهایی که هر فرد با اعضای شبکه خویش از جمله خویشان نزدیک و دور، دوستان، همکاران و همسایگان دارد باعث می‌شود تا او در زندگی روزمره به میزان قابل ملاحظه‌ای بتواند از حمایت‌های مختلفی که اعضای شبکه برایش فراهم می‌کنند، استفاده کند. به عبارتی، اعضای شبکه فرد، مهم‌ترین منابع کمکی هستند که در صورت نیاز می‌تواند به آنها مراجعه کند. در واقع، امکان دریافت حمایت‌های اجتماعی از سوی شبکه، سبب می‌گردد تا افراد در صورت برخورد با مشکلات از توانمندی بیشتری برای مبارزه با آن برخوردار باشند. خویشاوندان، دوستان، همسایه‌ها از شبکه‌هایی هستند که می‌توانند از نظر اقتصادی، عاطفی فرد حمایت کنند. محقق در این تحقیق به این نتیجه رسید که وقتی زنان آزر دیده از سوی شبکه‌های فردی خود حمایت می‌شدند راحت‌تر این راز را برملا می‌کردند و دست به اعتراض می‌زدند و مهمتر اینکه احتمال واکنش خروج و پیامدهای بعدی آن نیز برای آنان کاهش می‌یافت. مثلاً مریم یکروز پس از آن‌که پدرش در حالت مستی به او تجاوز کرد به خانه تنها خویشاوندش که خاله‌اش بود رفت و با کمک‌ها و حمایت‌های او از پدرش شکایت کرد و جلوی آزارهای بعدی را گرفت. نوشین هم که پدرش در غیاب همسرش او را بیهوش می‌کرده و مورد تجاوز قرار می‌داده است با حمایت‌های مادر، بلافاصله بعد از فهمیدن جریان به مقامات انتظامی اطلاع‌رسانی کردند. پرینا نیز همچون نوشین با حمایت مادر خیلی زود به مراکز مشاوره مراجعه کرد و جلوی اتفاقات بعدی را گرفت. زهرا نیز با حمایت همسایه‌ای که او در منزلش مشغول به کار بود، توانست از پیش پدر فرار کرده و نزد مادرش برود.

خروج^۱

واکنش خروج، زمانی روی می‌دهد که آزاردیده از تمام راه‌حل‌های ممکن و مقاومت‌ها خسته و ناامید شده باشد. خروج آخرین پناه می‌باشد. خروج به عنوان تصمیمی شجاعانه برای ترک موقعیت آسیب‌زا است. این واکنش می‌تواند در دختران و زنانی که در خانه تحت آزار و اذیت جنسی محارم قرار دارند به صورت فرار از منزل، ازدواج از سر ناچاری، خودکشی و یا مواردی شبیه به آن صورت پذیرد. در واقع خروج، کنشی برای پایان دادن به رابطه است. زمانی که فرد آزاردیده به امید بهتر شدن وضع موجود مدت‌ها سکوت یا مقاومت می‌کند اما وضع تغییری پیدا نکند امکان دارد گزینه خروج را انتخاب کند. البته امکان انتخاب گزینه خروج زمانی بیشتر است که فرد آزاردیده از داشتن شبکه‌های اجتماعی که بتوانند از حمایت‌های آن برخوردار باشند محروم باشد. بنابراین فرد یا دست به خروج می‌زند یا با اعمالی از قبیل خودکشی و خودزنی تهدید به خروج می‌کند.

فرار، شکلی از خروج است. مثلاً ندا می‌گوید: «به عموم گفتم بذار چند وقت بیام خانه‌تان بمونم اما محلم نداشت، از هر کسی کمک خواستم یک‌جوری پیچوند، رفتم کلانتری ماجرا را تعریف کردم گفتن قیافت تابلوس که معتادی تا ننداختیمت زندان برو بیرون... بالاخره مجبور شدم فرار کنم و کارتن‌خوابی کنم». نهادها هم یکی دیگر از شبکه‌های حمایتی هستند که با کمک به آزاردیده می‌توانند پیامدهای گزینه خروج را برای آنان کم کنند که در سئوالات بعد به آن می‌پردازیم. مرجان هم در رابطه با نبود حمایت‌های شخصی می‌گوید: «به مادرم گفتم، اما به جای اینکه کمکم کنه عقده‌اش را روی من خالی کرد، فحش می‌داد که فلان فلان شده حتماً خودت می‌خوای، مقصر حتماً خودتی، فرار کردم رفتم خانه عمه، عمو... از همشان بدم می‌آدش، ازشان متنفرم چون یک‌شب که نگهم می‌داشتن از فرداش اذیتم می‌کردند منت می‌داشتن که مجبور بشم برم...». در واقع زنانی که مورد تجاوز جنسی واقع می‌شوند و هیچ‌گونه پشتوانه حمایتی ندارند باعث می‌گردد به

1- Exit

دلایلی همچون فقدان امکانات مادی و نداشتن جا و مکان یا کسانی که از آنان حمایت کنند این مسئله را پنهان نگاه دارند و در خانه بمانند یا از خانه فرار کنند و در خیابان سرگردان بمانند.

خودکشی هم شکلی از واکنش خروج است. فرد آزرده با خودکشی معمولاً دو هدف را دنبال می‌کند. یا اینکه با خودکشی به قصد مرگ می‌خواهد خود را از وضعیت موجود برهاند یا این‌که با خودکشی به فرد آزارگر، این پیام را بدهد که اگر وضع تغییری پیدا نکند به این شکل خروج می‌کنم، در واقع خودکشی ابزاری برای تهدید فرد آزارگر می‌شود. مثلاً آزاده از کسانی بوده است که واقعاً به قصد مرگ خودسوزی کرد، ولی به کمک دیگران با درجه بالایی از سوختگی نجات پیدا کرد. یا الهه می‌گوید: «یک‌روز بعد از تجاوز پدرم، دیگه تحمل تمام شده بود. در مدرسه بدم و شاهرگم را زدم، بیهوش شدم بردنم بیمارستان. برام مهم نبود که بمیرم فقط می‌خواستم تمام بشه این کثافت کاری‌ها...». اما منصوره می‌گوید: «بعد از چند ماه که این کارها را می‌کردم گفتم خودم را می‌کشم. یا می‌میرم یا می‌ترسه و دیگه بهم دست نمی‌زنه. منم {اقدام به} خودکشی کردم با قرص که بردنم بیمارستان شستشو دادند من را. اما چند وقت دیگه اصلاً بهم دست نزد...».

هم‌چنین ازدواج از سر ناچاری، راه دیگری برای خروج از وضعیت ناهنجار برای زنان آزرده است. بنابراین اغلب زنان آزرده به اولین فرصت ازدواجشان، جواب مثبت می‌دهند و این انتخابی از سر ناچاری است. در واقع، برای بسیاری از آنان این ازدواج یک نوع فرار از خانه بوده است. مثلاً سپیده می‌گوید: «...تا اینکه هجده سالم بود که یک خواستگار از طرف یکی از آشنایان برام آمد ازش اصلاً خوشم نیامد اما نخواستم تحقیق کنم نه هیچی، دیگه فقط می‌خواستم از خانمان هر جوری شده برم بیرون...». سمانه هم می‌گوید: «با یک پسری دوست شدم و سریع خواستم ازدواج کنم البته اگر این اتفاق‌ها نبود هرگز باهاش ازدواج نمی‌کردم اما هر زندگی بهتر از این بود...».

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

تجاوز جنسی توسط محارم، واقعیتی است که در تمام کشورها خواه پیشرفته خواه در حال توسعه وجود دارد. در کشور ما هم، این مسأله مستثنی نیست و کم و بیش وجود دارد. اما تفاوتی که در رخداد این پدیده در کشورهای پیشرفته با کشورهایی همچون کشور ما وجود دارد، این است که در کشور ما، نسبت به این آسیب اجتماعی سکوت شده است و نبود هیچ‌گونه تحقیق و کتمان این مسئله بیانگر این موضوع است. همچنین به دلیل مشکلات قانونی، بسیاری از متهمان تبرئه می‌شوند و هیچ‌گونه درمان و پیگیری از سوی مسئولان ذیربط، درباره متهمان شکل نمی‌گیرد. همچنین تجاوز جنسی پدر به دختر، بیشتر از آنکه مسئله‌ای روانی باشد مسئله‌ای اجتماعی است. و مردسالاری و حاکمیت انگاره‌های مالکانه روابط میان پدر و فرزند بیشترین سهم را دارد.

با توجه به جواب‌های به‌دست آمده، استراتژی‌های تجاوز جنسی را در چهار گروه طبقه‌بندی کردیم: (۱) استراتژی‌های اجبار و خشونت جسمانی (۲) استراتژی‌های تحریکات عاطفی و ارباب احساسی (۳) استراتژی‌های اقتصادی (۴) استراتژی‌های فریبکارانه.

استفاده از استراتژی خشونت جسمانی و حربه زور، یکی از رایج‌ترین شیوه‌های برقراری رابطه جنسی با محارم برای آزارگران است. آنها از ضرب‌وشتم و شلاق زدن تا سوزاندن فرد آزاردیده برای رسیدن به کامیابی؟! جنسی استفاده می‌کنند. در استراتژی تحریکات عاطفی و ارباب احساسی، آزارگر، فرد آزاردیده را در موقعیت سختی قرار می‌دهد و یک بازی احساسی را تدارک می‌بیند. بسیاری از پدران، تهدید به ترک فرزندان می‌کنند یا فردی به آسیب‌زدن به سایر اعضای خانواده را تهدید می‌کنند یا خشونت‌های دیگری از این دست را اعمال می‌کنند. آزاردیده هم گاه به دلیل سن کم یا بی‌پناهی تهدیدهای عاطفی را جدی می‌گیرد. در استراتژی اقتصادی، آزارگر به آزاردیده پیشنهاد رشوه می‌دهد. مثلاً قول پرداخت پول یا امکانات رفاهی دیگر را می‌دهد یا حتی در بعضی خانواده‌ها که زنان از رفاه نسبی برخوردارند تهدید به گرفتن امکانات می‌کنند. در استراتژی فریبکارانه، همان‌طور که از اسم آن نیز هویداست آزارگران با انواع راه‌های عجیب همچون

ریختن دمای بیهوشی در غذای آزاردیده، پوشاندن صورت و حمله به آزاردیده و راه‌هایی از این دست سعی در ارضای خود دارند.

در پرسش دیگری، تلاش کردیم تا واکنش آزاردیده را نسبت به تجاوز جنسی بررسی کنیم. بنابر پاسخ‌های مربوطه چهار واکنش را در زنان شناسایی کردیم که به ترتیب، سکوت، مقاومت، اعتراض و خروج هستند. سکوت، واکنشی منفعلانه یا گاه خوش‌بینانه برای بهتر شدن مشکل موجود است. در واقع فرد نه امکان خروج دارد و نه به اعتراض روی می‌آورد. این سکوت، گاه ناشی از خجالت کشیدن و شرم و حیا است، گاه ترس از مجرم تلقی شدن یا ترس حضور در جمع و بیان ماجرا و انگشت نما شدن و گاه حتی ترس از دست دادن فرد آزارگر و از همه مهمتر ترس از اقدام تلافی‌جویانه آزارگر و گاه گیج شدن و شوکه شدن از تجاوز جنسی توسط محارم می‌تواند از دلایل دیگر سکوت آزاردیده باشد. واکنش دیگری که زنان بکار می‌برند مقاومت است. در واقع در مقابل آزار جنسی ایستادگی و مقاومت می‌کنند. این مقاومت صرفاً به معنای فیزیکی نیست، بلکه مقاومت‌های روحی را نیز در خود دارد. واکنش مقاومت شامل استراتژی‌هایی است که به کمک آن زنان سعی می‌کنند هم از آزارهای جنسی مکرر جلوگیری کنند و هم سعی می‌کنند به کمک آن از فشارهای روانی مضاعف دوری گزینند. واکنش اعتراض، زمانی اتفاق می‌افتد که فرد شروع به گفتن مشکلاتش می‌کند. اعتراض در واقع کنشی است که برای تغییر در وضع ناخوشایند انجام می‌شود، خواه از طریق غرولند به اطرافیان و دوستان و خویشاوندان خواه از طریق دادخواست و توسل به مقامات بالاتر به قصد پایان دادن به مشکل موجود. در نهایت خروج زمانی روی می‌دهد که آزاردیده از تمام راه‌حل‌های ممکن و مقاومت‌ها خسته و ناامید شده باشد. خروج آخرین پناه می‌باشد. خروج به عنوان تصمیمی شجاعانه برای ترک موقعیت آسیب‌زا است. این واکنش می‌تواند در دختران و زنانی که در خانه تحت آزار و اذیت جنسی محارم قرار دارند به صورت فرار از منزل، ازدواج از سر ناچاری، خودکشی و یا مواردی شبیه به آن صورت پذیرد. در واقع خروج کنشی برای پایان دادن به رابطه است.

- ایروانیان، امیر و محسن مالجو و دیگران. (۱۳۸۸)، *کودک‌آزاری؛ از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی*، تهران، انتشارات خرسندی.
- سیلورمن، دیوید. (۱۳۷۹)، *روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات تبیان.
- مالجو، محسن (۱۳۸۷)، *پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد زنان با تأکید بر تجاوز جنسی به محارم*. تهران: اولین همایش پیشگیری از وقوع جرم، (۱۰ و ۱۱ اسفند ۱۳۸۷).
- محسن مالجو، علی محمد متولیان. (۱۳۸۸)، *کودک‌آزاری*، تهران: رنگین قلم، ۱۳۸۸.
- مالجو، محمد. (۱۳۸۳)، *درآمدی بر نظریه خروج، اعتراض، در حکمرانی خوب بنیان توسعه*، مرکز پژوهش‌های مجلس .
- هیرشمن، آلبرت. (۱۳۸۲)، *خروج، اعتراض و وفاداری*، ترجمه محمد مالجو، تهران، نشر شیرازه.
- Brady, Katherine. (1979), "**Father's days**". New York: Dell (paperback). This autobiography of an incest victim is both moving and insightful.
- Finkelhor, D., (1979), "**Sexually Victimized Children**", New York: Free Press.
- Gebhard, P. H., Gagnon, J. H., Pomeroy, W. B., and Christenson, C. V., (1965), "**Sex Offenders: An Analysis of Types**", New York: Harper & Row.
- Henting, A. b (1978). "**The criminal and his victim**". See Ais. California commission on the statuses of women. Domestic violence fact sheet 1948.
- Herbert Maisch, (1973), "**Incest**", London: Andre Deutsch, P.69.
- Herman, J. and Hirschman, L., (1981) "**Father-Daughter Incest**," Signs, Vol. 2, No. 4, PP: 735-765
- Weinberg, S., (1955), "**Incest Behavior**", New York: Citadel press.